

EXHIBIT C

Witness	بلی.	Yes.
Interpreter	وقتی که همراه آقای سوپیت صحبت کردید گفتید که 12 تا 13 نفر آنها آمدند داخل؟	When you were talking to Mr. Swift you said some 12-13 people came in to the room. Right?
Witness	بلی.	Yes.
Interpreter	وقتی که آنها آمدند شما گفتید که در این قسمت افغان نشسته بودند؟	When they came, you said they sat on this side of the room. Right?
Witness	بلی. بعضی ما در اینجا ایستاد هم بودند.	Yes. Some were standing here and others were standing there.
Interpreter	مطابق شواهد دیگر آمریکایی ها در اینجا و در وسط ایستاده بودند؟	According to the record the Americans were here and there and the others were standing round the center. Right?
Witness	بلی.	Yes.
Interpreter	و گفتید که شما یک آمریکایی را از عساکر آمریکایی در پشت پرده دیدید؟	You said one of the American soldiers walked behind this curtain. Right?
Witness	بلی.	Yes.
Interpreter	به گفته شما وقتی که آمریکایی در پشت پرده رفت و آمد داشت؟	According to you when the American walked behind the curtain you heard a shot. Right?
Witness	بلی.	Yes.
Interpreter	آقای قادیور شما چندین بیانات در این قضیه داشتید؟	Mr. Qadeer you made a number of statements about this case. That's right?
Witness	بلی.	Yes.
Interpreter	و شما در این مورد با خیلی مردم صحبت کردید؟	You talk to lots of people about this case. Right?
Witness	من با وزارت خود صحبت کردم.	I talked to my ministry.
Interpreter	شما با وزارت داخله صحبت کردید؟	You talked to the MOI. Right?
Witness	بلی.	Yes.
Interpreter	و شما همراه ایجنت های FBI هم صحبت کردید؟	And you also talked to the FBI agents too. Right?
Witness	بلی.	Yes.
Interpreter	آنها به نام FBI مشهور هستند؟	They are known as the FBI?
Witness	بلی.	Yes.
Interpreter	یک بار شما در پنجم اگست 2008 مصاحبه شدید؟	Once you were interviewed on 5th August 2008?
Witness	بلی. آری این همان بود که به من داد که شماره پاسپورت را بدم؟	Yes. Is this the one who asked me for my passport, no?
Interpreter	آقای قادیور من فقط از شما میپرسم که آیا شما به یاد دارید 25 اگست مصاحبه شدید؟	Mr. Qadeer I just want to ask: do you remember that you were interviewed in August?
Witness	یک زن و یک مردی که آمده بودند؟	There was a lady and a man?
Interpreter	من به شما عکس نشان میدهم. آیا شما اینها را میشناسید. این همان ایجنت FBI است که عکس شما را گرفته در این اطاق؟	I'll show you a picture. Do you recognize this picture? Is that the same room where you were interviewed? The FBI agent took this picture of you here?
Witness	آری این همان عکس است من در باره همین میگویم. این من این مقام که اینجا نشستم.	Yes, this is the same picture I was talking about. This is me sitting there.
Interpreter	وقتی که عکس شما را گرفته از شما خیلی از سوالات هم پرسید؟	If you remember when they took your picture they did ask you a lot of questions. Right?
Witness	بلی.	Yes.
Interpreter	و این در ماه اگست 2008 بود؟	And that was about August 2008. Remember

		that?
Witness	بلی شاید.	Yes maybe.
Interpreter	آن کارمندان مترجم هم همراه داشتند؟	They had an interpreter with them. Remember that?
Witness	بلی.	Yes.
Interpreter	و آن کارمندان به شما گفتند که شما هر قدر معلوماتی که در باره این قضیه دارید به آنها بدهید؟	Those two FBI told you to give them as much as information as you have about this case?
Witness	بلی.	Yes.
Interpreter	و چون شما 31 سال در پولیس کار کردید شما میدانید که یک شخصی که شهادت میدهد باید تمام چیزهای که او میداند را اظهار کند.	And as you have worked for 31 years in police, you know that a person as a witness should tell everything he knows?
Witness	بلی.	Yes.
Interpreter	و آن کارمندان FBI از شما در مورد این قضیه سوالاتی هم پرسیدند؟	And that FBI agent asked you questions about what happened and what you saw?
Witness	بلی.	Yes.
Interpreter	و شما به کارمندان FBI گفتید که شما با آمریکایی ها یک ملاقات داشتید که فایر شد؟	And you told the FBI agent that when you had a joint meeting with the Americans the gunshot came?
Witness	من به آنها گفتم ما افغانها میقتلیم. داشایم ولی آمریکایی ها داخل آمدند.	I told them that we Afghans had our own meeting but Americans came in.
Interpreter	آیا این حقیقت ندارد که شما به FBI گفتید که در دوران میلتنگ در اتاق چندین فایر شد؟	Isn't it true that you told the FBI that during this meeting there were several shots in the room during that meeting?
Witness	بلی این درست است؟	Yes it's true.
Interpreter	و آیا این درست است که شما گفتید که صدای فایر از پشت پرده آمد؟	And is that true that you said that the sound of firing came from behind the curtain?
	NEXT VIDEO CLIP	NEXT VIDEO CLIP
Interpreter	وقتی که شما صدای فایر را شنیدید فکر کردید که از پشت پرده است؟	When you heard the sound of the gunshot you thought it was from behind the curtain?
Witness	بلی.	Yes.
Interpreter	آیا این درست است که شما به اینجانب گفتید بودید که وقتی که فایر شد آمریکایی ها طوفان پرده خیز زدند؟	Is that true that you said to the FBI agent that when the shot occurred, Americans were diving towards the curtain side?
Witness	خیر من گفتم که وقتی که آمریکایی در آن طرف پرده تیر شد صدای فایر آمد.	No, I said as the American went there, then the sound of the gunshot came.
	آیا این درست است که شما در مصاحبه خود گفته بودید که قبل از شنیدن صدای فایر کدام آمریکایی را ندیدید که در پشت پرده پرود؟	Is that true that you said in the interview that you never saw an American soldier walking behind the curtain before the gunshot?
Witness	خیر من گفتم که وقتی که عسکر آمریکایی پشت پرده رفت و صدای فایر آمد.	No, I said then American soldier went behind the curtain and the sound of a gunshot came.
Interpreter	و شما با سارنوال آمریکایی و آمر تطبیقی آنها در این باره صحبت کردید؟	And you also talked to the American prosecutor and law enforcement agent about this?
Witness	بلی.	Yes.
Interpreter	و این در ماه اکتوبر 2008 بود؟	This was October of 2008?
Witness	بلی.	Yes.

Interpreter	و سارتوال و آمر آنها با مترجم بود؟	And the prosecutor and their agent were with an interpreter?
Interpreter	بلی	Yes.
Interpreter	و سارتوال و ایچنت آنها گفتند که آنها برای مصاحبه شما آمدند؟	And the prosecutor and the agent told you they were there to interview you?
Witness	بلی	Yes.
Interpreter	و گفت به شما که ارتباط این با مسائل قضایی است؟	And told you this was in connection with the criminal trial. Right?
Witness	بلی	Yes.
Interpreter	و نیز گفتند که تا حد امکان معلومات میخواهند؟	They also told that they needed as much information as possible. Correct?
Witness	بلی	Yes.
Interpreter	و آیا این درست است که شما به ایچنت گفته بودید که شما عافیه صدیقی را با تفنگ امریکایی دیده بودید؟	And is it true that you told the agent that you saw Afia Siddiqui with the American rifle?
Witness	خیر.	No.
Interpreter	و آیا این درست است که شما در آن مصاحبه گفتید که شما عافیه صدیقی را با تفنگ دیده که میخواست بالای دیگران حمله کند؟	And is that true that you said during that interview you said you saw the woman having a gun and wanted to kill others?
Witness	خیر.	No.
Interpreter	و آیا این حقیقت دارد که بعد از شنیدن صدای فایر شما به خود گفتید که شما باید بیرون بروید؟	And is that true that during that interview you said to yourself that you should get out of here after the sound of gunshot?
Witness	بلی مگر در فکر دویدن بودن و من هم.	Yes, everyone wanted to escape and so did I.
Interpreter	آیا به یاد دارید که در آن مصاحبه شما گفته باشید که شما عافیه صدیقی را دیدید که تفنگ داشت و میخواست دیگران را بکشد؟	Do you remember you said during that interview that you thought Afia Siddiqui had a gun and wanted to kill everyone?
Witness	خیر.	No.
Interpreter	و آقای قادیل آیا این درست است که شما به آنها گفتید که شما کدام سرباز امریکایی را شنیدید که در پشت پرده بیرون رفت؟	And Mr. Qadeer isn't that true that you said you saw no American walking behind the curtain?
Witness	خیر.	No.
Interpreter	شما در دوران مصاحبه با ایچنت اصلاً نگفتید که امریکایی پشت پرده رفت و بعد صدای فایر آمد؟	During that interview at no point you told the agent that the American walked behind the curtain and then came the gunshots?
Witness	خیر.	No.
Interpreter	و شما با وزارت داخله هم در این مورد صحبت کردید؟	You also talked to the MOI about what happened. Right?
Witness	بلی.	Yes.
Interpreter	حالا سوال من اینست که من میخواهم ببینم که آیا امضا شما در این اسناد غیر سه دولت است یا نه؟	Now my question at this point is: is this your signature on this paper?
Witness	بلی امضا من در اینجا است.	Yes, my signature is there on it.
Interpreter	و شما این را امضا کردید؟	And you signed this document?
Witness	بلی.	Yes.
Interpreter	آیا شما این را به یاد دارید که این را امضا کردید؟	Do you remember signing this document?
Witness	بلی.	Yes.

Interpreter	آیا این حقیقت دارد که این اسناد خلاصه تمام واقعات در آن روز بود؟	Is that true that this document is the summary of the things that happened that day?
Witness	بله.	Yes.
Interpreter	آیا این درست است که یک قسمت این اسناد میگوید که آن زن روی اسلحه عسکر آمریکایی خور زد و سلاح را گرفت؟	Is this true that a part of this document says that the woman jumped on the American friend's ammunition and got a hold of their ammunition?
Witness	این شاید نوشته باشد ولی درست نیست.	It may be written so but it's not true.
Interpreter	ولی شما امضا کردید؟	But you did sign it?
Witness	معاون ریاست سر ما امضا کرد.	The deputy director made me sign it.
Interpreter	ولی خودت امضا کردی؟	But you signed it?
Witness	بله.	Yes.
Interpreter	شما و در حدود پنج یا شش نفر دیگر؟	You and other five or six other people?
Witness	بله.	Yes.
Interpreter	آقای قادیور شما با آقای سوییست اخیراً ملاقات کردید؟	Mr. Qadeer, you met with Mr. Swift recently. Right?
Witness	بله.	Yes.
Interpreter	دفعه آخر چه وقت ملاقات کردید؟	What was the last time you met?
Witness	تقریباً 15 روز پیش.	Approximately 15 days back.
Interpreter	این همین بیان شماست که پنزده روز پیش؟	Was that your statement?
Witness	بله.	Yes.
Interpreter	شما با چه یگان هم ملاقات کردید؟	Did you meet any investigators?
Witness	خیر.	No.
Interpreter	شما با آقای سوییست در کجا ملاقات کردید؟	Where did you meet with Mr. Swift?
Witness	در همین جا.	Here in this place.
Interpreter	این هتل؟	This hotel?
Witness	نه این یکی دیگر اینجا.	No, this other one there.
Interpreter	و شما با آنها در باره این وقایع صحبت کردید؟	And you talked to him about what happened?
Witness	بله.	Yes.
Interpreter	شما با کدام وسیله به رستوران آمدید؟	For that meeting how did you get here?
Witness	ایشان گفتند که بیاورید من هم در این رستوران آمدم.	He said he wanted to meet and I came here in the restaurant.
Interpreter	این همه نشانی هاییست که شما در این نقشه نشان دادید؟	These are the marks that you have identified in this diagram. Right?
Witness	بله.	Yes.
Interpreter	و شما گفتید که جای مرمی ها در اینجا است؟	And you identified the bullet holes here?
Witness	بله.	Yes.
Interpreter	و این در وسط کلکین و دروازه است؟	And you said it is between the window and the wall?
Witness	بله.	Yes.
Interpreter	و این دقیقاً مقابل جاوست که پرده باز است؟	And this is exactly opposite to the place where the curtain was open. Right?
Witness	بله.	Yes.

Interpreter	و آن جای مردم. مادر همان روز واقع شد؟	And these bullet holes happened on the day of incident. Right?
Witness	بلی	Yes.
Interpreter	پس ما رویم در موقع که سداگر امریکایی آمدند، آنها 13 یا 14 نفر بودند؟	Back to the time when the American soldiers came in, there were 13 or 14?
Witness	بلی	Yes.
Interpreter	وقتی که امریکایی ها داخل آمدند در اتاق به دیوار پیروبار بود؟	When the Americans came, in this room was a crowd. Right?
Witness	بلی	Yes.
Interpreter	این همان عکس است که در آن روز شما در اینجا نشسته بودید؟	This is the picture on that day where you were sitting here. Right?
Witness	بلی	Yes.
Interpreter	و شما در نقشه در اینجا در جلوی کورج نشسته بودید؟	You were sitting here on the diagram next to the couch. Right?
Witness	بلی	Yes.
Interpreter	وقتی که امریکایی ها داخل آمدند زن در اینجا نشسته بود؟	When the Americans came in, the woman was here behind the curtain. Right?
Witness	بلی	Yes.
Interpreter	در آن وقت او بسته نبود؟	At that time she was not restrained. Right?
Witness	بلی	Yes.
Interpreter	و هیچ کسی در پشت پرده همراه او نبود؟	And nobody was there with her behind the curtain. Right?
Witness	بلی	Yes.
Interpreter	شما گفتید که شما یک عسکر را دیدید که در پشت پرده رفت؟	You said you saw a soldier walk in there behind the curtain. Right?
Witness	بلی	Yes.
Interpreter	وقتی که عسکر در پشت پرده رفت، و شما میدانستید که عافیه صدیقی دو بار قبلاً هم اقدام به فرار کرده بود؟	When the soldier went behind the curtain, you knew that Afia Siddiqui had tried to escape twice before. Right?
Witness	بلی	Yes.
Interpreter	و شما میدانستید که عافیه صدیقی میخواهد که به امریکایی ها تسلیم شود؟	You knew that Afia Siddiqui didn't want to be handed over to the Americans. Right?
Witness	بلی	Yes.
Interpreter	و دوبار قبلاً هم شما را تهدید کرده بود؟	And she had threatened you earlier. Right?
Witness	بلی	Yes.
Interpreter	و شما اصلاً آن سرباز را از این حقیقت آگاه نکردید؟	You never warned the soldier about this fact. Right?
Witness	خیر. من نمیتوانم چیزی به امریکایی ها بگویم.	No, I can't tell anything to the Americans.
Interpreter	شما به آن امریکایی چیزی نگفتید؟	So you didn't say anything to that soldier?
Witness	خیر.	No.
Interpreter	هیچ کسی دیگر هم به آن امریکایی چیزی نگفت؟	No other Afghan in the room said anything to that soldier. Right?
Witness	خیر.	No.
Interpreter	و شما به عافیه صدیقی وعده کرده بودید که شما او را به امریکایی ها تسلیم نمیکند؟	And you had promised that you would not hand her over to the Americans. Right?

Witness	بله.	Yes.
Interpreter	وقتی که شما آن شخص را دیدید که می‌رود در پشت پرده شما او را متوقف نکردید؟	When you saw that person walking behind the curtain you didn't stop him. Right?
Witness	بله.	Yes.
Interpreter	وقتی که صدای فایر آمد شما کدام افغانی را دیدید که بالای امریکایی فایر کرد؟	When you heard the sound of a gunshot you never saw any Afghans firing on Americans?
Witness	خیر. من در زمین افتادم و دیگران فرار کردند.	No. I fell down on the floor and others just escaped.
Interpreter	وقتی که شما صدای فایر را شنیدید شما خود را به زمین انداختید؟	When you heard the gunshot you throw yourself onto the ground. Right?
Witness	بله.	Yes.
Interpreter	و شما هر ممکن کوشش کردید که از اتاق بیرون بروید؟	And you did everything to get out of the room. Right?
Witness	بله.	Yes.
Interpreter	و شما شهادت دادید که امریکایی‌ها در اینجا نشسته بودند که این نزدیک پرده بود.	And you testified that the Americans were sitting here with the wall, which is near the curtain. Right?
Witness	بله.	Yes.
Interpreter	و شما می‌توانستید که تفنگ‌های آنها را ببینید؟	And you were able to see their guns. Right?
Witness	بله.	Yes.
Interpreter	و اگر کسی امریکایی در پشت پرده می‌رفت شما می‌توانستید ببینید؟	And if Americans would walk behind the curtain you could see. Right?
Witness	بله.	Yes.
Interpreter	و وقتی که شما می‌توانستید که آنها را ببینید شما در مقابل آنها در اینجا نشسته بودید؟	And at the moment you could see them you were sitting here opposite to them. Right?
Witness	بله.	Yes.
Interpreter	و در اتاق پر و بار بود؟	And it was crowded in the room. Right?
Witness	بله.	Yes.
Interpreter	و در اینجا افغان‌ها در مرکز اتاق بودند؟	And there were Afghans near the center of the room. Right?
Witness	بله.	Yes.
Interpreter	و شما اینجا نشسته بودید بطوریکه شما نمی‌توانید بایستادگی کنید؟	And you were sitting down, as you can't stand up?
Witness	بله.	Yes.
Interpreter	بعد از صدای مرمی اینکه شما دو نفر امریکایی‌ها را دیدید که آنها را می‌بردند؟	When you heard the shots, after that, as you indicated to Mr. Swift, you saw two Americans take Afia Siddiqui out of the room. Right?
Witness	بله.	Yes.
Interpreter	شما دیدید که زن زخمی شده بود؟	You saw the woman was shot. Right?
Witness	بله.	Yes.
Interpreter	و شما دیدید که در بغل خود مرمی خورده بود؟	And you saw she was shot on her side. Right?
Witness	بله. شاید او را خورده باشد من زیاد نمی‌دانم. خون از او می‌ریخت وقتی که دو نفر او را گرفته بودند.	Yes. I think she was shot here, couldn't see more. She was bleeding when two soldiers were holding her.
Interpreter	دو سرباز او را می‌بردند؟	Two soldiers were carrying her. Right?

Witness	بلی.	Yes.
Interpreter	وقتی که شما میخواستید که از اتاق بیرون بیایید دیگران روی شما پای گذاشته و دویدند؟	When you wanted to get out of the room you indicated that people walked over you. Right?
Witness	بلی.	Yes.
Interpreter	به یاد دارید که کسی در پشت شما پای گذاشته باشد؟	Do you remember anybody stepping on your back?
Witness	بلی. یک زن چاق در پشت من پای گذاشت.	Yes. A heavy fat lady stepped on my back.
Interpreter	وقتی که در دهلیز بودید یک کسی شما را کمک کرد که امتداد شوید؟	When you were outside of the room in the hallway, somebody helped you out. Right?
Witness	بلی.	Yes.
Interpreter	به یاد دارید که کی بود؟	Do you remember who it was?
Witness	باشیر بود یا نورالحق. بچه من بود و نور الحق.	It was Bashir or Nur-ul-Haq. It was my son and Nur-ul-Haq helped me.
Interpreter	نام بچه آن چیست؟	What is your son's name?
Witness	مونس.	Mones.
Interpreter	او شما را کمک کرد؟	He helped you got out?
Witness	بلی.	Yes.
Interpreter	آقای قیصر شما در وقت سوالات به آقای صوفیان گفتید که شما با صدای آن عافیه صدیقی را زدید؟	Mr. Qadeer when Mr. Swift was asking questions, you testified that you hit Afia Siddiqui with your cane?
Witness	بلی.	Yes.
Interpreter	آیا این وقتی بود که ای میخواست که فرار کنید؟	Was that when she wanted to escape?
Witness	بلی.	Yes.
Interpreter	چقدر وقت گذشت بین این که آمریکایی پشت پرده رفت و صدای قایق آمد.	How much time passed between when the Americans went behind the curtain and the sound of gunshot came?
Witness	یک یا دو دقیقه.	It was one or two minutes.

The following is the continuation of Mr. Abdul Qadeer's interview, found in DVD #2, scenes 5-9

Interpreter	وقتی که شما صدای قایق را شنیدید فکر کردید که از پشت پرده است؟	When you heard the sound of the gunshot, you thought it was from behind the curtain?
Witness	بلی.	Yes.
Interpreter	آیا این دست که شما به ایجنٹ FBI گفته بودید که وقتی که قایق شد آمریکایی ها طرف پرده خیز زدند؟	Is it true that you told the FBI agent- that when the shot occurred, Americans were diving towards the curtain side?
Witness	خیر من گفتم که وقتی که آمریکایی در آن طرف پرده خیز شد صدای قایق آمد.	No, I said as the American went there, the sound of the gunshot came.
	آیا این درست است که شما در مصاحبه خود گفته بودید که قبل از شنیدن صدای قایق کدام آمریکایی را دیدید که در پشت پرده ایستاد؟	Is it true in your interview; you said that you never saw an American soldier walking behind the curtain before the gunshot?
Witness	خیر من گفتم که وقتی که صدای آمریکایی پشت پرده رفت و صدای قایق آمد.	No, I said then American soldier went behind the curtain and the sound of a gunshot came.
Interpreter	و شما با سارنوال آمریکایی و آمر تطبیقی آنها در این باره صحبت کردید؟	And you also talked to the American prosecutor and law enforcement agent about this?
Witness	بلی.	Yes.

Interpreter	و این در ماه اکتوبر 2008 بود؟	This was October of 2008?
Witness	بلی.	Yes.
Interpreter	و سارتوال و آمر آنها با مترجم بود؟	And the prosecutor and their agent were with an interpreter?
Interpreter	بلی.	Yes.
Interpreter	و سارتوال و ایچات آنها گفتند که آنها برای مصاحبه شما آمدند؟	And the prosecutor and the agent told you they were there to interview you?
Witness	بلی.	Yes.
Interpreter	و گفت به شما که ارتباط این با مسائل جنائی است؟	And told you this was in connection with the criminal trial. Right?
Witness	بلی.	Yes.
Interpreter	و نیز گفتند که تا حد امکان معلومات میخواستند؟	They also told you that they needed as much information as possible. Correct?
Witness	بلی.	Yes.
Interpreter	و آیا این درست است که شما به ایچت گفته بودید که شما عافیه صدیق را با تفنگ آمریکایی دید، بودید؟	And is it true that you told the agent that you saw Afia Siddiqui with the American rifle?
Witness	خیر.	No.
Interpreter	و آیا این درست است که شما در آن مصاحبه گفتید که شما عافیه صدیق را با تفنگ دیدید که میخواست بالای دیگران حمله کند؟	And is that true that you said during that interview, you saw the woman having a gun and wanting to kill others?
Witness	خیر.	No.
Interpreter	و آیا این حقیقت دارد که بعد از شنیدن صدای تیر شما به جرد گفتید که شما باید بیرون بروید؟	And is that true that during that interview, you said to yourself- that you should get out of here after the sound of gunshot?
Witness	بلی همگی در فکر دویدن بودن و من هم.	Yes, everyone wanted to escape and so did I.
Interpreter	آیا به یاد دارید که در آن مصاحبه شما گفته باشید که شما عافیه صدیق را دیدید که تفنگ داشت و میخواست دیگران را بکشد؟	Do you remember, you said during that interview that you thought Afia Siddiqui had a gun and wanted to kill everyone?
Witness	خیر.	No.
Interpreter	و آقای قذیر آیا این درست نیست که شما به آنها گفتید که شما کدام سرباز آمریکایی را ندیدید که در پشت پرده بودند؟	And Mr. Qadeer, isn't that true that you said you saw no Americans walking behind the curtain?
Witness	خیر.	No.
Interpreter	شما در دوران مصاحبه با ایچت اصلاً گفتید که آمریکایی پشت پرده رفت و بعد صدای تیر را آمد؟	During that interview, at no point had you told the agent that the American walked behind the curtain and then came the gunshots?
Witness	خیر.	No.
Interpreter	و شما با وزارت داخله هم در این مورد صحبت کردید؟	You also talked to the MOI about what happened. Right?
Witness	بلی.	Yes.
Interpreter	حالا سوال من اینست که من میخواهم بپرسم که آیا امضا شما در این اسناد نیز به دولت است یا نه؟	Now my question at this point is: is this your signature on this paper?
Witness	بلی امضا من در اینجا است.	Yes, my signature is there on it.
Interpreter	و شما این را امضا کردید؟	And you signed this document?
Witness	بلی.	Yes.

Interpreter	آیا شما این را به یاد دارید که این را امضا کردید؟	Do you remember signing this document?
Witness	بلی.	Yes.
Interpreter	آیا این حقیقت دارد که این اسناد خلاصه تمام وقایع در آن روز بود؟	Is that true that this document is the summary of the things that happened that day?
Witness	بلی.	Yes.
Interpreter	آیا این درست است که یک قسمت این اسناد میگوید که آن زن روی اسلحه مسکون آمریکایی خیز زد و سلاح را گرفت؟	Is it true that a part of this document says that the woman jumped on the American friend's ammunition and got a hold of their ammunition?
Witness	این شاید نوشته باشد و این درست نیست.	It may be written like that but it's not true.
Interpreter	ولی شما امضا کردید؟	But, you did sign it?
Witness	معاون ریاست سر ما امضا کرد.	The deputy director made me sign it.
Interpreter	ولی خودتان امضا کردید؟	But, you signed it?
Witness	بلی.	Yes.
Interpreter	شما و در حدود پنج یا شش نفر دیگر؟	You and five or six other people?
Witness	بلی.	Yes.
Interpreter	آقای قدیر شما را آقای سویفت اخیراً ملاقات کردید؟	Mr. Qadeer, you met with Mr. Swift recently. Right?
Witness	بلی.	Yes.
Interpreter	دفعه آخر چه وقت ملاقات کردید؟	When was the last time you met?
Witness	تقریباً 15 روز پیش.	Approximately 15 days back.
Interpreter	این همان بیان شماست که با آن روز پیش؟	Was that your statement?
Witness	بلی.	Yes.
Interpreter	شما با تحقیق این هم ملاقات کردید؟	Did you meet any investigators?
Witness	خیر.	No.
Interpreter	شما را آقای سویفت در کجا ملاقات کردید؟	Where did you meet with Mr. Swift?
Witness	در همین جا.	Here, in this place.
Interpreter	این هتل؟	This hotel?
Witness	نه این یکی دیگر اینجا.	No, this other one, there.
Interpreter	و شما با آنها در باره این وقایع صحبت کردید؟	And you talked to him about what happened?
Witness	بلی.	Yes.
Interpreter	شما با کدام وسیله به رستوران آمدید؟	For that meeting, how did you get here?
Witness	آنها گفتند که بیا اینجا من هم در این رستورانم.	He said he wanted to meet and I came here to the restaurant.
Interpreter	این همه نشانیهایی است که شما در این نقشه نشان دادید؟	These are the marks that you have identified in this diagram. Right?
Witness	بلی.	Yes.
Interpreter	و شما گفتید که جای گلوله 10 در اینجا است؟	And you identified the bullet holes here?
Witness	بلی.	Yes.
Interpreter	و این در وسط کلکین و دروازه است؟	And you said it is between the window and the wall?
Witness	بلی.	Yes.

Interpreter	و این دقیقاً مقابل جایست که پرده باز است؟	And this is exactly opposite to the place where the curtain was open. Right?
Witness	بلی	Yes.
Interpreter	و این جای مرمی مادر همان روز واقع شد؟	And those bullet holes happened on the day of incident. Right?
Witness	بلی	Yes.
Interpreter	همه میرویم در موقع که عساکر امریکایی آمدند، آنها 13 یا 14 نفر بودند؟	Back to the time when the American soldiers came in, there were 13 or 14 or them?
Witness	بلی	Yes.
Interpreter	وقتی که امریکایی ها داخل آمدند در اتاق بسیار پروراز بود؟	When the Americans came, this room was crowded. Right?
Witness	بلی	Yes.
Interpreter	این همان عکسی است که در آن روز شما در اینجا نشسته بودید؟	This is the picture on that day of where you were sitting, here. Right?
Witness	بلی	Yes.
Interpreter	و شما در نقشه در اینجا در هلو، کوچ نشسته بودید؟	You were sitting here, on the diagram next to the couch. Right?
Witness	بلی	Yes.
Interpreter	وقتی که امریکایی ها داخل آمدند زن در اینجا نشسته بود؟	When the Americans came in, the woman was here behind the curtain. Right?
Witness	بلی	Yes.
Interpreter	در آن وقت او بسته بود؟	At that time, she was not restrained. Right?
Witness	بلی	Yes.
Interpreter	و هیچ کسی در پشت پرده همراه او نبود؟	And nobody was there with her behind the curtain. Right?
Witness	بلی.	Yes.
Interpreter	شما گفتید که شما یک عسکر را دیدید که در پشت پرده رفت؟	You said you saw a soldier walk in there behind the curtain. Right?
Witness	بلی	Yes.
Interpreter	وقتی که عسکر در پشت پرده رفت، و شما میدانستید که عافیة صدیقی دو بار قبلاً هم اقدام به فرار کرده بود؟	When the soldier went behind the curtain, you knew that Afia Siddiqui had tried to escape twice before. Right?
Witness	بلی	Yes.
Interpreter	و شما میدانستید که عافیة صدیقی نمیخواست که به امریکایی ها تسلیم شود؟	You knew that Afia Siddiqui didn't want to be handed over to the Americans. Right?
Witness	بلی.	Yes.
Interpreter	و دوبار قبلاً هم شما را تهدید کرده بود؟	And she had threatened you earlier. Right?
Witness	بلی.	Yes.
Interpreter	و شما اصلاً آن سرباز را از این حقیقت آگاه نکردید؟	You never warned the soldier about this fact. Right?
Witness	خیر، من نمیتوانم چیزی به امریکایی ها بگویم.	No. I can't say anything to the Americans.
Interpreter	شما به آن امریکایی چیزی نگفتید؟	So, you didn't say anything to that soldier?
Witness	خیر.	No.
Interpreter	هیچ کس دیگری هم به آن امریکایی چیزی نگفت؟	No other Afghan in the room said anything to that soldier. Right?

Witness	خیر.	No.
Interpreter	و شما به عاقبه صدیقی وعده کرده بودید که شما او را به آمریکایی ها تحویل نمی‌دهید؟	And you had promised that you would not hand her over to the Americans. Right?
Witness	بله.	Yes.
Interpreter	وقتی که شما آن شخص را دیدید که می‌رود در پشت پرده شما او را متعذکرید؟	When you saw that person walking behind the curtain, you didn't stop him. Right?
Witness	بله.	Yes.
Interpreter	وقتی که صدای فایر آمد شما کدام افرادی را دیدید که بالای آمریکایی فایر کنند؟	When you heard the sound of a gunshot, you never saw any Afghans firing on Americans?
Witness	خیر، من در زمین افتادم و دیگران فرار کردند.	No, I fell down on the floor and others just escaped.
Interpreter	وقتی که شما صدای فایر را شنیدید شما خود را به زمین انداختید؟	When you heard the gunshot, you threw yourself onto the ground. Right?
Witness	بله.	Yes.
Interpreter	و شما هر ممکن کوشش کردید که از اتاق بیرون بروید؟	And you did everything to get out of the room. Right?
Witness	بله.	Yes.
Interpreter	و شما شهادت دادید که آمریکایی ها در اینجا نشسته بودند که این از دیوار پرده بود.	And you testified that the Americans were sitting here on the wall, which is near the curtain. Right?
Witness	بله.	Yes.
Interpreter	و شما می‌توانستید که تفنگ های آنها را ببینید؟	And you were able to see their guns. Right?
Witness	بله.	Yes.
Interpreter	و اگر کسی آمریکایی در پشت پرده می‌رفت، شما می‌توانستید ببینید؟	And if Americans would walk behind the curtain you could see. Right?
Witness	بله.	Yes.
Interpreter	و وقتی که شما می‌توانستید که آنها را ببینید شما در مقابل آنها در اینجا نشسته بودید؟	And at the moment you could see them, you were sitting here opposite to them. Right?
Witness	بله.	Yes.
Interpreter	و در اتاق پر از بود؟	And it was crowded in the room. Right?
Witness	بله.	Yes.
Interpreter	و در اینجا افغانها در مرکز اتاق بودند؟	And there were Afghans near the center of the room. Right?
Witness	بله.	Yes.
Interpreter	و شما اینجا نشسته بودید بخاطریکه شما نمی‌توانید ایستاده شوید؟	And you were sitting down, as you can't stand up?
Witness	بله.	Yes.
Interpreter	بعد از صدای مرمی اینطور که به آقای سوییفت گفتید، شما دو تا آمریکایی ها را دیدید که عاقبه صدیقی را بردند؟	When you heard the shots, after that, as you indicated to Mr. Swift, you saw two Americans take Afia Siddiqui out of the room. Right?
Witness	بله.	Yes.
Interpreter	شما دیدید که زن زخمی شده بود؟	You saw the woman was shot. Right?
Witness	بله.	Yes.
Interpreter	و شما دیدید که در پشت خود مرمی خورده بود؟	And you saw she was shot on her side. Right?

Witness	ہاں، شاید ایچا خوردہ باشد، من زیاد ندیدم، خون آڑن میریخت وقتی کہ دو نفر او را گرفته بود.	Yes. I think she was shot here, couldn't see more. She was bleeding when two soldiers were holding her.
Interpreter	دو سکر او را میبردند؟	Two soldiers were carrying her. Right?
Witness	بلی.	Yes.
Interpreter	وقتی کہ شما میخواستید کہ از اتاق بیرون بجائید دو کاران روی شما پای گذاشته و دویفا؟	When you tried to get out of the room you indicated that people walked over you. Right?
Witness	بلی.	Yes.
Interpreter	به یاد دارید کہ کسی در پشت شما پای گذاشته باشد؟	Do you remember anybody stepping on your back?
Witness	بلی، یک زن چاق در پشت من پای گذاشت.	Yes. A heavy fat lady stepped on my back.
Interpreter	وقتی کہ در دھلیز بودید یک کسی شما را کمک کرد کہ اسناد شوید؟	When you were outside of the room in the hallway, somebody helped you out. Right?
Witness	بلی.	Yes.
Interpreter	به یاد دارید کہ کی بود؟	Do you remember who it was?
Witness	بشیر بود یا نورالحق، بچہ من بود و نور الحق.	It was Bashir or Nur-ul-Haq. It was my son and Nur-ul-Haq helped me.
Interpreter	نام بچہ نان چیست؟	What is your son's name?
Witness	مونس.	Mونس.
Interpreter	او شما را کمک کرد؟	He helped you get out?
Witness	بلی.	Yes.
Interpreter	آقای قادی، when Mr. Swift was asking questions, you testified that you hit Afia Siddiqui with your cane?	Mr. Qadeer, when Mr. Swift was asking questions, you testified that you hit Afia Siddiqui with your cane?
Witness	ہاں.	Yes.
Interpreter	آیا این وقتی بود کہ او میخواست کہ فرار کند؟	Was that when she wanted to escape?
Witness	ہاں.	Yes.
Interpreter	چند وقت گذشت بین این کہ امریکیں پشت پردہ رفت، و صدای قاتر آمد.	How much time passed between when the Americans went behind the curtain and the sound of gunshot came?
Witness	یک یا دو دقیقہ.	It was one or two minutes.

Last part of Mr. Abdul Qadeer interview, found in the beginning of DVD 3, continuation of the above

Role	Dari Transcription	English Translation
Interpreter	آیا شما یکی از کسانی هستید کہ در این اظہارنامہ امضا کردید؟	Are you one of those who signed on this statement?
Witness	بلی.	Yes.
Interpreter	آیا این را شما نوشته کردید؟	Did you write it?
Witness	نہاں.	No.
Interpreter	این را کی نوشت؟	Who wrote it?
Witness	معاون ریاست.	The deputy director.
Interpreter	آیا شما احساس کردید کہ باید امضا کنید؟	Did you want to sign it?
Witness	نہاں.	No.
Interpreter	پس چرا امضا کردید؟	Why did you sign it?

Witness	این نامه در آغاز نوشته شده بود وقتی که من می‌گفتم که او یک انتحاری است. و در آخر که معلوم شد که او انتحاری نیست من پشیمان شدم که چرا امضا کردم.	This letter was written in the beginning, when she was said to be a suicide bomber. At the end when it was clear that she wasn't, I regret why I signed it.
Interpreter	آیا شهادت امروز شما قاضی در وظیفه شما خواهد کرد؟	Testifying here today, are you worried that it is going to affect your career?
Witness	بله	No.
Interpreter	وقتی که شما با FBI صحبت کردید آنها چی پرسیدند؟	When you talked to the FBI what did they ask?
Witness	در باره همین کیس و من هم همینطور که به شما جواب دادم به آنها هم جواب دادم.	Same as you, they asked about this case and I answered them.
Interpreter	وقتی که آنها او را سوال می‌کردند نوشته هم می‌کردند؟	When they asked you questions- did they also write it down?
Witness	خیر	No.
Interpreter	آیا مترجمی هم مثل امروز در آنجا بود؟	Was there any translator like today?
Witness	بله مترجم بود. دفعه اول، یک زن بود که کمربند داشت و این عکس‌ها را گرفت و گفت که او از سارتورال، امریکا است. و دفعه دوم دو خانم مرد بودند همراه یک زن. و این عکس‌ها هم ما به آنها دادم. این از روی عکس‌ها که من دادم عکس گرفته.	Yes, there was a translator. The first time it was a lady with a camera; she took these photos and said she was from the Attorney General of America. I have given them this photo. That picture is taken from my picture actually.
Interpreter	وقتی که مترجم صحبت‌های شما را به مأمور FBI ترجمه می‌کرد شما می‌فهمیدید که چی ترجمه می‌کرد؟	When the translator was translating for you to the FBI, could you understand what was he translating?
Witness	من چطور می‌دانم که چی ترجمه می‌کرد؟	How would I know?
Interpreter	و شما کدام جانشین نداشته‌اید که اگر او ترجمه‌ای غلط کرده باشد شما آنرا درست کنید؟	So you didn't have chance to correct the mistranslation?
Witness	خیر	No.
Interpreter	در رابطه با جای مرمی اینجا بود؟ کدام مرمی هم اینجا بود؟	With regard to the bullet holes, is it here? Were there any bullets there?
Witness	من یک چیزی بگویم که جالب است. من نام اتاق خود را میوزیم گذاشته بودم بخاطر اینکه 3 بار در هر ماه یک کسی می‌آمد و دیوار را می‌کند که ببیند و چیزی پیدا کنند. حتی 400 دلار برای خرج قالی‌ها دهنده بودند که از کلن دیوار خراب شده بود. ولی کدام مرمی نیافتند.	Let me tell you something funny! I had named my room as a museum because 3 times in a month a person would come and find something in the wall. They would dig the walls to get something. Even my carpet was destroyed and they paid \$ 400 for the carpet in my office, But couldn't find any bullet there.
Interpreter	شما کدام مرمی در آنجا دیدید؟	Did you see any bullets there?
Witness	آنها به من نشان می‌دادند. یک کسی می‌آمد و می‌پایید اگر چیزی پیدا کرده باشد من می‌دادم. ولی وقتی که من 3 بارچه کوچک را پیدا کردم من برایش دادم.	Actually the coalition forces did not show me anything. Some specialists had come and searched, if they have found anything I don't know. But when I found 3 shells I officially gave it to them.
Interpreter	از کجا پیدا کردید؟	Where did you find them?
Witness	از اینجا. (در نقشه)	From here (in the map).
Interpreter	آیا به شما کسی گفت که این سوراخ‌های مرمی اصلاً یا هم خودتان دیدید؟	Did anybody tell you that those were bullet holes or you saw them?

Witness	خود من خودم دیدم. آنها میآمدند و دیوار را کندن تا طرف دیگر دیوار سوراخ شد.	No, I saw it myself. They came to my office and then dug into the wall all the way to the other side even.
Interpreter	شما دیدید که آن جای مرمی بود یا چون مردم دیوار را میکشید شما فکر کردید که آن جای مرمی است؟	Did you see the bullet places or because people were digging into the wall you thought it was bullet holes?
Witness	بله آنها سوراخ مرمی را میپاییدن.	They were looking inside the bullet holes.